

تحلیل عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی (با تأکید بر نظریه جیمز روزنا)

اصغر افتخاری*
ابوالفضل بابایی**

چکیده

سیاست خارجی هر بازیگری با توجه به نقش عوامل گوناگونی شکل می‌گیرد؛ بنابراین شناخت، تحلیل و مدیریت مناسب رفتارها در عرصه سیاست خارجی نیازمند شناخت این عوامل است. با توجه به دشمنی رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران، لازم می‌آید تا نقش عوامل مذکور در سیاست خارجی این رژیم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. هدف مقاله حاضر ارائه تصویری عملیاتی از سیاست خارجی این رژیم است تا در مقام نقد و مقابله با سیاست‌های آن به کار گرفته شود. با این توصیف مقاله حاضر دارای اهمیت کاربردی بوده و به‌طور مشخص به این سؤال می‌پردازد که عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌سازی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی کدام‌اند؟ با توجه پیچیدگی عوامل تأثیرگذار، در این پژوهش با استفاده از مدل روزنا که ساختاری چندوجهی دارد و با کمک روش توصیفی - تحلیلی، این عوامل شناسایی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست خارجی این رژیم با توجه به تأثیرات چهار عامل اصلی شکل می‌گیرند که عبارت‌اند از: عوامل «ارضی»، «منزلی»، «انسانی» و «ساختاری» (غیرانسانی).

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، اسرائیل، جیمز روزنا، سیاست خارجی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ.

*دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع). eftekhari@ gmail.com.

**دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). babaiihaskoi@ gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۵

۱. مقدمه

طرح مسئله: سیاست خارجی کشورهای مختلف جهان تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی قرار دارد. رژیم صهیونیستی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ اما ویژگی منحصر به فرد این رژیم آن است که از حیث مشروعیت استقرار نیافته و دارای چالش هویتی و امنیتی در جهان اسلام است. همین امر موضوع سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را پیچیده و تا حدودی دشوار ساخته است.

هدف: پژوهش حاضر دارای دودسته از اهداف است. از حیث نظری ارائه دیدگاهی جامع را دنبال می‌نماید تا بتواند شناخت شفاف‌تری از نحوه تصمیم‌سازی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی ارائه نماید. از حیث کاربردی، تقویت توان کارشناسی در این حوزه و کمک به تصمیم‌گیرندگان برای شناخت و مقابله با سیاست‌های مخاطره‌آمیز رژیم صهیونیستی را مدنظر دارد.

اهمیت و ضرورت: با توجه به نقش منفی رژیم صهیونیستی در تحولات منطقه و دشمنی مبنایی و مستمر با جمهوری اسلامی ایران، فهم سیاست خارجی این رژیم دارای اهمیت راهبردی است؛ چراکه امکان مدیریت و مقابله مؤثر با آن را به ما می‌دهد. از طرفی کم‌توجهی به این موضوع مهم به اتخاذ سیاست‌های ناقص و یا نادرست در مقابل رژیم صهیونیستی منجر می‌شود که ائتلاف منابع را در پی دارد. این مطلب بیانگر ضرورت پرداختن به این موضوع است.

روش: این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و محققان برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و تکنیک کتابخانه‌ای استفاده نموده‌اند. البته برای افزایش دقت در داده‌ها سعی شده از منابع اولیه که به زبان عبری نوشته شده استفاده نمایند. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل نظریه مبنا استفاده شده است. در این روش یک نظریه که از جامعیت و کاربرد بالایی در موضوع برخوردار است، انتخاب شده و سپس داده‌ها در قالب آن تحلیل می‌گردد. در این مقاله نظریه تحلیل چهار سطحی روزنا انتخاب شده است که به دلیل تعدد سطوح تحلیل از سایر نظرات مشابه متمایز بوده و جامع‌تر است. دستاورد: در نتیجه این تحقیق عوامل مؤثر در تصمیم‌سازی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قالب چهار گروه اصلی «ارضی»، «منزلتی»، «انسانی» و «غیرانسانی» شناسایی و معرفی شده‌اند.

پیشینه: تاکنون منابع مختلفی در مورد تحلیل سیاست خارجی رژیم صهیونیستی نوشته شده است که می‌توان آن‌ها را در دودسته اصلی قرارداد:

نخست. منابعی که موضوع محورند و تلاش دارند تا سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را در موضوعات خاصی تبیین و یا بررسی نمایند. در این خصوص می‌توان به آثاری همچون حاجی یوسفی و اسلامی (۱۳۸۶) و دهشیری و مشتاقی (۱۳۹۴) اشاره داشت. با توجه به رویکرد این محققان به‌طور طبیعی بررسی موردی عوامل و شناسایی تجمیعی آن‌ها در دستور کار نبوده و از این حیث از نوشتار حاضر متمایزند.

دوم. در این منابع بررسی عوامل تأثیرگذار مدنظر بوده است اما در این خصوص نوع خاصی از عوامل بررسی شده و رویکرد جامع مدنظر نبوده است. به همین خاطر نوشتار حاضر از حیث گستره عوامل مورد بررسی از این دسته از منابع متمایز می‌گردد. در این ارتباط می‌توان به آثار لطفیان (۱۳۸۷)، ژنشن (۱۳۸۱)، پورحسین (۱۳۸۷)، گیلپوا (۱۳۸۷) و آهوپی (۱۳۹۳) اشاره نمود که بیشتر بر نقش عوامل خارجی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تأکید دارند؛ و یا آثار رادگودرزی (۱۳۹۵)، اخوان کاظمی و عزیزی (۱۳۹۰)، جلال پور و لطیفی نیا (۱۳۹۵) و بالاخره صبری (۱۳۸۶) که بیشتر بر عوامل داخلی تأکید دارند. با این توضیح مشخص می‌شود که مقاله حاضر از حیث رویکرد و جامعیت از منابع پیشین متمایز است.

۲. چهارچوب نظری؛ الگوی تحلیلی روزنا

اگرچه پیچیدگی سیاست خارجی و تعدد عوامل تأثیرگذار بر آن مانع از آن می‌شود که بتوان به‌سادگی به شناختی جامع از آن دست یافت، به‌گونه‌ای که برخی از نویسندگان این هدف را دشوار یا بملق می‌نمایند؛ اما باید توجه داشت رفتار بازیگران در دو قالب مختلف تعریف می‌شود: برخی متناسب به استراتژی کلان یک کشور بوده و برخی دیگر تاکتیک محسوب می‌شوند. استراتژی کلی و تغییرناپذیر است و ضرورت و طرح کلی رسیدن از نقطه الف به ب را مشخص می‌کند، ولی تاکتیک بازی در درون میدان است و چگونگی رسیدن از الف به ب را مورد بحث قرار می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۰۵-۱۲۶). کار یک محقق در وهله اول بازشناسی و تمییز تصمیمات مرتبط با تاکتیک از موارد مربوط به استراتژی کلان است. به این ترتیب می‌توان پیچیدگی سیاست خارجی را کمتر نموده و راه را بر شناخت جامع و همه‌جانبه آن هموار نمود؛ رویکردی که در الگوی تحلیلی روزنا به‌خوبی رعایت شده است.

از این منظر می‌توان نظریه‌های سیاست خارجی را در درون سه رهیافت روش‌شناسانه کلان، خرد و مختلط (میان برد) تقسیم کرد؛ در رهیافت کلان کشورها به‌عنوان

کنشگر اصلی نظام بین‌الملل همچون توپ‌های بیلیارد محسوب می‌شوند که ماهیت درونی آن‌ها یکسان محسوب شود و لذا بر چگونگی چرخش آن‌ها بر روی میز بیلیارد بین‌الملل تأثیر ندارد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۰)؛ در مقابل رهیافت خرد به ساختار داخلی کشورها تأکید می‌کنند و به دنبال بررسی «دولت» است؛ اما نویسندگانی همچون روزنا در پی استفاده از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی هستند؛ روزنا با نوشتن مقاله‌ای بانام «پیش‌نظریه سیاست خارجی» هر دو سطح خرد و کلان را مورد بررسی قرارداد (Rosenau, 1971: 96-97). لذا در این پژوهش، از الگوی تحلیلی جیمز روزنا یا پیش‌تئوری روزنا را به دلیل توجه به هر دو سطح خرد و کلان به عنوان چارچوب تحلیلی این پژوهش برگزیدیم. این الگو بهترین قالب برای تفسیر رفتارهای دولت‌هایی همچون رژیم صهیونیستی با ویژگی‌های ذکر شده محسوب می‌شود. تلاش بی‌وقفه رژیم صهیونیستی برای حفظ جایگاه خود و مدیریت امواج گسترده تغییر در منطقه، موجب وابستگی شدید تصمیمات اسرائیل به تحولات منطقه‌ای شده است. در محیط بین‌المللی نیز اوضاع به همین منوال است؛ تغییر در سبک حمایت‌های آمریکا با تغییر حزب حاکم و یا تصمیمات بعضاً متناقض اتحادیه اروپا در قبال این رژیم، موجب وابستگی سیاست‌های این رژیم به تحولات جهانی شده است؛ زیرا سیاست‌گذاران اسرائیل که رژیم خود را رژیمی وابسته و متکی به حمایت‌های دول غربی می‌بینند، راهی جز تطبیق خود با شرایط غرب ندارند. پس اولاً باید محیط داخلی پیچیده این کشور را مورد مطالعه دقیق قرارداد و ثانیاً محیط خارجی تأثیرگذار بر سیاست‌های این رژیم را مطالعه کرد.

اگرچه پیش‌تئوری جیمز روزنا برای تسهیل مطالعه تطبیقی سیاست خارجی کشورهای مختلف طراحی شده است اما می‌توان از این چهارچوب تحلیلی در مقایسه و تفسیر سیاست خارجی یک کشور واحد در طول زمان و در مواجهه با موقعیت‌های مختلف نیز استفاده کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۶۱). روزنا منابع تأثیرگذار بر تدوین سیاست خارجی یک کشور را در چهار دست‌بندی بررسی می‌کند: اول. سطح ارضی (موقعیت سرزمینی یک کشور)، دوم. منزلتی (جایگاه کشور در نظام بین‌الملل)، سوم. عوامل انسانی، چهارم. عوامل ساختاری یا همان غیرانسانی (قوام، ۱۳۸۴: ۱۶۵). روزنا فرض می‌گیرد که هر یک از عوامل مستقلاً روی شکل‌دهی به سیاست خارجی تأثیرگذار است و از جمع و مطالعه آن‌ها در کنار یکدیگر یک محقق به‌خوبی می‌تواند وجوه متفاوت سیاست خارجی و رفتارهای سرزده از یک دولت را بازشناسد. در واقع می‌توان

آن‌ها را به مجموعه‌ای از بردارها تعبیر کرد که هریک رفتارهای دولت را به سویی می‌کشند، گاهی دو بردار کاملاً هم سو هستند و گاهی در تقابل مستقیم قرار می‌گیرند. نتیجه نهایی سیاست خارجی و تصمیم اتخاذشده، حاصل تضارب منابع پنج‌گانه فوق یا به عبارتی برآیند بردارهای آن‌هاست. برای فهم بهتر، نوع عملکرد و تأثیرگذاری این عوامل را می‌توان به یک سیستم تشبیه کرد. به گفته کمپ بل (Campbell)، این عوامل، ورودی سیستم تصمیم‌سازی هستند و رفتار سیاست خارجی، خروجی این سیستم محسوب می‌شود؛ یعنی رفتارهای یک دولت و سیاست خارجی آن وابسته به این عوامل است. پس این عوامل متغیر مستقل محسوب شده و سیاست خارجی متغیری وابسته به شمار می‌رود (Kegley, 1982: 56).

۳. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

۳-۱. عامل ارضی

فلسطین اشغالی از نظر موقعیت جغرافیایی ویژگی‌های مهمی دارد که سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ فلسطین اشغالی در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و بر سر مسیر انتقال نفت از خلیج فارس به سمت اروپا قرار گرفته است. لذا کشوری که در این منطقه حضور داشته باشد می‌تواند این مسیر را کنترل کند. دلیل مهم دیگر، شهر بیت‌المقدس یا اورشلیم است؛ شهری که از لحاظ فرهنگی و مذهبی برای سه دین یهود، مسیحیت و اسلام بسیار حائز اهمیت است. بلندی‌های جولان نیز که از نظر نظامی و تأمین آب حائز اهمیت است در این مرز مناطق اشغالی و سوریه قرار دارد. از سوی دیگر، دغدغه‌های امنیتی یکی از نگرانی‌های عمده تصمیم سازان رژیم صهیونیستی می‌باشد. این نگرانی‌ها ناشی از محاصره بودن این رژیم در میان فلسطینیان، گروه‌های نظامی شیعی و سنی و کشورهای عربی دیگر است که از زمان تأسیسش تاکنون ۶ جنگ را با آن‌ها انجام داده است. لذا تصمیم سازان اسرائیلی، محیط اطراف خود را محیطی خصمانه، نامطمئن و فرار می‌دانند. به همین منظور در آغاز دهه پنجاه میلادی و اندکی پس از تشکیل دولت صهیونیستی، دکترین امنیتی این رژیم توسط دوید بن گوریون، نخست‌وزیر وقت، اعلام شد؛ این دکترین اعلام می‌کند که اسرائیل بایستی دولت‌های عربی و اسلامی اطراف خود را قانع سازد تا موجودیت این رژیم را به رسمیت بشناسند و به آن‌ها بفهمانند که هیچ راهی برای نابودی دولت اسرائیل نیست (אלכס מינץ ושאוול ש', 2014: 2). لذا مسئله‌ای که این رژیم از زمان تشکیل

خود تاکنون به دنبال آن بوده است این است که با استفاده از برتری نظامی یا امضای پیمان‌های صلح، از خطرات امنیتی که در معرض آن قرار دارد رهایی پیدا کند. علی‌رغم این تلاش، جنگ‌های ۱۹۷۳، ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ نشان داد که اسرائیل در رسیدن به این خواسته خود ناتوان بوده است (المسیری، ۲۰۱۱: ۲). اسرائیل علاوه بر اینکه از خارج از مرزهای خود مورد تهدید قرار دارد، با ایجاد انتفاضه فلسطین، در داخل نیز نتوانسته است امنیت خود را تأمین کند (ابوشرح، ۲۰۱۱: ۱). تا زمانی که اسرائیل در داخل دریایی از دشمن قرار دارد هیچ‌گاه نمی‌تواند در امنیت باشد؛ پس در این حالت باید با دنیای عرب اطراف خود آشتی کند. این هم چیزی متفاوت از عمل تاکتیکی به اصطلاح صلحی است که اسحاق رابین و شیمون پرز در سال ۱۹۹۳ آغاز کرده بودند. اگر اسرائیل حقیقتاً آشتی با دریای دشمن اطراف خود را می‌خواهد، مجبور است امتیازهای بزرگی را بدهد (یحیی، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۳).

۲-۳. عامل منزلت رژیم صهیونیستی در ساختار جهانی

برای بررسی این عامل باید به ابعاد مختلف منزلتی که این رژیم در پی آن است اشاره داشت که عبارت‌اند از:

۱-۲-۳. اقتصاد

شکی نیست که عوامل اقتصادی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در اعتبار و جایگاه بین‌المللی هر کشوری است. در ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی و در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی به علت پرداخت‌های زیاد سِکِل (₪) رشد سالانه اقتصادی این رژیم در طول ۱۲ سال حدود ۱۰ درصد بود. سال ۱۹۶۷ و کمی قبل از آغاز جنگ شش‌روزه، این رژیم به علت تولید اضافه بر نیاز دچار کساد و رکود شد؛ اما بعد از جنگ و با گسترش سرزمین‌های اشغالی و ایجاد بازارهای جدید، این دوره رکود نیز پایان یافت. در جنگ ۱۹۷۳، به علت افزایش هزینه‌های جنگ، نسبت میان واردات و صادرات به مقدار قابل توجهی تغییر یافت و منجر به تورم و کاهش ارزش پول این رژیم شد. در سال ۱۹۸۳ میلادی نیز با شکل‌گیری بحران بورس و کاهش ارزش سهام در یک روز، میلیاردها دلار ضرر اقتصادی ایجاد شد؛ اما با کمک‌های آمریکا و سیاست‌های اقتصادی این کشور، رژیم صهیونیستی توانست در سال ۱۹۸۵ میزان تورم خود را کاهش داده و در سال ۱۹۹۰ به رشد اقتصادی ۶ درصد برسد. در دهه ۹۰

میلادی و در فضای کنفرانس صلح مادرید و روند صلح و همچنین مهاجرت‌های گسترده از شوروی به سمت سرزمین‌های اشغالی، اقتصاد اسرائیل به ثبات رسید. با آغاز انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ میلادی، یک دهه رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی متوقف شد و ارزش شیکل در برابر دلار کاهش یافت. در سپتامبر ۲۰۱۰ اسرائیل به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیوست و با اتحادیه اروپا، آمریکا، ترکیه، مکزیک، کانادا، اردن و مصر توافقنامه تجارت آزاد را امضا کرد. در سال ۲۰۱۲ اسرائیل در رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی توسط سازمان ملل رتبه ۱۶ از ۱۸۷ را کسب کرد. در سال ۲۰۱۴ به علت حمله این رژیم به غزه، تولید ناخالص ملی این کشور به میزان ۴ درصد کاهش یافت. اقتصاد اسرائیل دچار مشکلاتی از جمله بدهی خارجی و بیکاری نیز می‌باشد (اشتیوی، ۲۰۱۴). بر اساس گزارش اداره بیمه اسرائیل حدود ۱۹ درصد اسرائیلی‌ها در فقر زندگی می‌کنند که این میزان در میان اعراب حدود ۵۱ درصد است (המוסד לביטוח לאומי، 2015).

در چند سال اخیر وضعیت اقتصادی این رژیم بهبودی نسبی یافته است؛ تولید ناخالص ملی اسرائیل در بازه سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ رشدی ۱۸,۷ درصدی و ارزش شیکل در مقابل دلار نیز رشدی ۲۶ درصدی را تجربه کرده است. همچنین آمارهای اقتصادی نشان می‌دهد که اقتصاد اسرائیل در بازه ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ وضعیت بهتری را نسبت به بازه سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ داشته است. یکی از عوامل این رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در فناوری عنوان شده است (ابونمل، ۲۰۱۷).

۳-۲-۲. سیاست

در ابتدای تشکیل دولت صهیونیستی، اسرائیل تلاش می‌کرد تا با محاصره نظامی و سیاسی اعراب مجاور و تشویق یهودیان برای اسکان در مناطق اشغالی، توسط کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود و روابط خود را با آمریکا تقویت کند. این رژیم در سال ۱۹۴۹، یک سال پس از تشکیل، به عضویت سازمان ملل درآمد. در طول دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و همچنین بعد از پایان جنگ سرد این دولت تلاش زیادی را برای گسترش روابط سیاسی با کشورهای دیگر به عمل آورد. سیاست خارجی اسرائیل را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد؛ مرحله اول از زمان تأسیس تا اواخر دهه ۶۰ میلادی است که این رژیم به دنبال افزایش تعداد کشورهایایی است که مشروعیت دولت جدید اسرائیل را پذیرفته‌اند؛ علاوه بر این، در این دوره تلاش شد تا با محاصره نظامی و

سیاسی کشورهای عربی اطرافش، ورود یهودیان به سرزمین‌های اشتغالی را افزایش دهد. در مرحله دوم که در دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی ادامه داشت تمرکز این اسرائیل بر روی مسائل دیپلماتیک بود تا بتواند در سازمان‌ها و محافل بین‌المللی با فعالیت‌های کشورهای عربی ضد اسرائیل مقابله کند. در مرحله سوم نیز که از پایان جنگ سرد شروع شده است، این رژیم به دنبال افزایش روابط دیپلماتیک با کشورهای بزرگ و ایجاد پیمان‌های جدید بوده است (الجزیره، ۲۰۱۱).

رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون اهمیت زیادی برای روابط سیاسی خود با کشورهای دیگر قائل بود. علت این امر نیز واضح است؛ این رژیم تلاش می‌کند تا با استفاده از این روابط به تأسیس دولت خود در سرزمین دولت دیگر مشروعیت ببخشد. اسرائیل همواره تلاش کرده است تا با برگزاری کنفرانس‌ها و گفتگوهای مختلف شدت انتقادات علیه خود را کاهش دهد. در سال‌های ابتدایی تشکیل، اسرائیل هیچ موضع سیاسی به نفع یا ضرر قدرت‌های بزرگ اتخاذ نکرد و به همین دلیل توانست کمک‌های مادی زیادی را از کشورهای غربی و همچنین شرق اروپا دریافت کند. موشه شاروت، اولین وزیر خارجه و دومین نخست‌وزیر اسرائیل، نیز اعلام کرده بود که اسرائیل نباید در جنگ سرد بر له یا علیه کشوری (روسیه یا آمریکا) موضع‌گیری کند؛ اما در پایان سال ۱۹۵۰ بن گوریون، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، وارد پیمان مشترک نظامی با آمریکا و متحدانش شد و آمریکا نیز اعلام کرد که با هرگونه تجاوز شوروی به اسرائیل مقابله خواهد کرد. با آغاز جنگ کره، چاره‌ای نمانده بود که اسرائیل در مورد جنگ سرد موضعی را اتخاذ کند و شکی نبود که این رژیم در طرفداری از آمریکا و انگلیس تردید نخواهد کرد. تمامی مطالب گفته‌شده نشان می‌دهد که این رژیم تا چه میزان به روابط سیاسی با کشورهای دیگر، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، اهمیت می‌دهد. این رژیم تلاش می‌کند تا با استفاده از این روابط جایگاه سیاسی خود را در سطح بین‌المللی بالا برده و دولت خود مشروعیت دهد (ابویوسف: ۲۰۱۴: ۱۱).

رژیم صهیونیستی با برگزاری انتخابات، ادعای دموکراسی کرده و خود را تنها دولت دموکراتیک خاورمیانه می‌داند. این در حالی است که در مناطق عرب نشین و همچنین در برخورد با نمایندگان عرب کنست، روحیه توتالیتار رژیم را می‌توان به وضوح مشاهده نمود. آخرین مثال از موارد متعدد این دیکتاتوری، محرومیت ۳ نفر از اعضای حزب بلد (Balad Party) از شرکت در جلسات کنست است که صرفاً به دلیل بازدید آن‌ها از خانواده شهدای فلسطین انجام شد (Pileggi: 2016).

۳-۲-۳. ایدئولوژی

ایدئولوژی صهیونیستی بر سه رکن استوار است؛ قوم برگزیده یهود، کتاب مقدس و سرزمین یهود. «هالاکا» و یا «هالاخا» (הלכה) که به عنوان منبع شریعت یهود شناخته می‌شود و شامل قوانین تورات، تلمود و خاخام‌ها می‌شود منبع خوبی برای شناخت برخی از جوانب ایدئولوژی صهیونیستی است. مهم‌ترین منبع هالاخا، تلمود است؛ تلمود حاوی احکام دشمنانه‌ای نسبت به غیر یهودیان است که با اندیشه «قوم برگزیده» سازگاری دارد؛ واجب بودن کشتن مسیحیان، حلال بودن نزول به غیر یهودی، حرام بودن نجات یک غیر یهودی از مرگ، کشتن غیر یهودی به مثابه قربانی در راه خدا و بلامانع تعدی به ناموس غیر یهود نمونه‌ای از احکام موجود در این کتاب است. تلمود در نگاه یهودیان ارتدکس منبع درجه یک دین است و در درستی آن نباید بحث شود؛ بنابراین، تلمود و تمام احکام آن علیه غیر یهودیان جایگاه نفوذ مهمی در ایدئولوژی رسمی دولت اسرائیل دارد (یحیی، ۱۳۹۵: ۵۸-۶۳).

ایدئولوژی صهیونیستی بر بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین که در پیشگاه آنان سرزمین آبا و اجدادی و سرزمین موعود است، تأکید می‌کنند؛ «صهیونیست‌های سیاسی» اعتقاد داشتند که مشکلات قوم یهود حل نخواهد شد مگر آنکه یهودیان نیز همانند ملت‌های دیگر تبدیل به یک «ملت» شود (المسیری، ۱۹۷۸: ۱۵۴). اسرائیلی‌ها و دیگر صهیونیست‌های سیاسی اعتقاد دارند که بر همه ما، به عنوان قوم تورات، واجب است که مالکیت تمامی سرزمین‌های تورات را به دست آوریم. دولت اسرائیل نیز از آغاز تأسیس، زمان قوانینی از جمله قانون بازگشت (חוק השבות) را در همین رابطه به تصویب رسانده است (חוק השבות: 1950). بر اساس این قانون می‌توان گفت که عامل دین، به عنوان یک عقیده، محرک اصلی این رژیم در تعامل با کشورهای دیگر است. یکی از اندیشه‌های اصلی تحمیلی از سوی ایدئولوژی یهودی به دولت اسرائیل «سرزمین‌های وعده داده شده» است؛ این سرزمین‌ها از لحاظ جغرافیایی شامل از نیل تا فرات می‌شود. آریل شارون نیز در مه ۱۹۹۳ در کنگره حزب لیکود، توجه اسرائیل به مرزهای تورات (از نیل تا فرات) را به عنوان سیاست رسمی پیشنهاد داد؛ اما هیچ عکس‌العملی علیه این پیشنهاد نه از داخل حزب لیکود و نه از دیگر احزاب مشاهده نشد (یحیی، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۰).

۳-۲-۴. هویت

اسرائیل به دلیل طبیعت ساختارش، از بحران هویت ملی رنج می‌برد. حدود ۱,۹ میلیون یهودی از ریشه اروپایی - آمریکایی، ۸۵۸ هزار نفر از ریشه شوروی سابق، ۵۰۰ هزار نفر از ریشه مغرب، ۳۰۰ هزار نفر از ریشه لهستان و رومانی، ۱۸۰ هزار نفر از ریشه عراق، ۱۸۰ هزار نفر از ریشه یمنی، ۶۴ هزار نفر از قوم فلاشا (از کشور اتیوپی) و بقیه ریشه سوری، ایرانی و مصری دارند (بدوان: ۲۰۱۴). علاوه بر این، بعد از تأسیس رژیم صهیونیستی بخش زیادی از فلسطینیان که غالب آن عرب بودند، از کشورشان اخراج شدند، اما تعدادی نیز مشمول تابعیت اسرائیلی شدند؛ اما این گروه در این رژیم به عنوان شهروندان درجه دوم محسوب می‌شوند.

جامعه اسرائیلی برحسب ایدئولوژی مذهبی به بخش‌های مختلفی تقسیم شده است. اولین شکاف میان افراد مذهبی و سکولار وجود دارد که بر سر نوع و شکل حکومت اختلافات جدی‌ای دارند. گروه‌های مذهبی مختلف (چه صهیونیست و چه غیر صهیونیست) اسرائیل را یک کشور [رژیم] یهودی می‌دانند و اعتقاد دارند که حکومت باید بر اساس قوانین یهودی اداره شود؛ آن‌ها خود را بیشتر یهودی می‌دانند و نه اسرائیلی؛ اما اسرائیلی‌های سکولار و ملی‌گرا هیچ نقشی برای مذهب در زندگی عمومی و سیاست قائل نیستند و خود را بیشتر اسرائیلی می‌دانند و نه یهودی. علاوه بر این تقسیم‌بندی مذهبی، اسرائیلی‌ها برحسب قومیت و از کشوری که آمده‌اند نیز تقسیم می‌شوند. اگرچه ۶۸ درصد مردم اسرائیل متولد اسرائیل و به اصطلاح "צבר" (سابرا، بومیان اسرائیل) هستند و بیشترشان نسل دوم و سوم این رژیم هستند، اما مردم اسرائیل به شدت برحسب کشور آبا و اجدادی خود تقسیم‌بندی شده‌اند و آمار ازدواج نیز در میان قومیت‌های مختلف آن‌ها پایین است. اقوام غالب در این رژیم «اشکنازی» و «مزراحی‌ها» (و یا سفاردی‌ها) هستند. جمعیت این دو قوم به شدت برابر است. در طول تاریخ این رژیم، یهودیان شرقی (مزراحی) تحت تبعیض بوده‌اند و آموزش درجه‌دو را دریافت کرده‌اند و بیشتر در کارهای یدی (کارگران یقه آبی) مشغول به کار شده‌اند. در مقایسه، یهودیانی که در دهه ۹۰ و از روسیه به اسرائیل آمدند خیلی راحت‌تر در جامعه جذب شدند و سطح بالاتری از آموزش را دریافت کردند و تفاوت‌هایشان خیلی قابل تحمل‌تر از مزراحی‌ها بود. اشکنازی‌ها که بیشترشان در طبقه بالایی اسرائیل قرار دارند و بیشترشان سکولار هستند تمایل بیشتری نسبت به حزب کار و میرتص (צמ"ח) دارند؛ در مقابل سفاردی‌ها که از تحصیلات کمتری برخوردارند و کارگران با دستمزد پایین

هستند و بیشترشان نیز مذهبی هستند تمایل بیشتری به حزب لیکود و احزاب مذهبی دارند (El-Gendy, 2010: 32-34).

۳-۲-۵. مذهب

مذهب عاملی مهم در زندگی سیاسی اسرائیل محسوب می‌شود؛ چراکه با وجود اختلاف در مورد تعریف از دولت یهودی، اجماع گسترده‌ای میان اسرائیلی‌ها وجود دارد که دولت این رژیم باید دولتی یهودی باقی بماند. دو گروه بزرگ مذهبی در اسرائیل وجود دارد؛ یهودیان حریدی (יהדות חרדית) و صهیونیسم‌های مذهبی (לאומות חרדית) یا مذهبی‌های ملی (דת לאומי). حریدی‌ها که در زبان عبری به معنای کسانی است که از ترس خدا لرزه بر اندامشان می‌افتد، حدود ۸ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. این گروه که به یهودیان ارتدکس معروف‌اند، به شدت مخالف زندگی سکولار هستند و به شدت خود را معتقد به شریعت یهود می‌دانند؛ این گروه اعتقاد دارند که بایستی در اسرائیل قوانین دینی برتر از اصول دموکراتیک باشد. از سوی دیگر، چهل درصد از جمعیت اسرائیل را سکولارها تشکیل می‌دهند؛ این گروه با وجودی که برخی از قوانین دینی را رعایت می‌کنند، اما سلطه‌خاخام‌های ارتدکس بر مسائل ازدواج و طلاق را قبول ندارند و اعتقادشان آن است که اصول دموکراتیک بر قوانین دینی برتری دارد. گروه دیگری که با نام محافظه‌کاران و یا «ستتی‌ها» شناخته می‌شوند در اسرائیل وجود دارند؛ این گروه که ۲۳ درصد از جمعیت اسرائیل و ۲۹ درصد از یهودیان این رژیم را تشکیل می‌دهند از لحاظ اعتقادات در میان ارتدکس‌ها و سکولارها جای می‌گیرند (مرکز بیوآلبچا: ۲۰۱۶: ۳).

نقش تناقض‌آمیز مذهب، جلوه‌هایی از بی‌ثباتی سیاسی را در جامعه اسرائیل پدید آورده است. به طوری که تحمل «ترتیبات حفظ وضع موجود» برای یهودیان سکولار روزبه‌روز مشکل‌تر می‌شود؛ یهودیان ارتدکس نیز که به‌ویژه پس از تشکیل حزب قدرتمند شاس در اوایل دهه ۱۹۵۰ و پس از آن حزب بنیادگرای ملی - مذهبی، نقش سیاسی حساسی در جامعه اسرائیل به دست آورده‌اند، آشکارا شکیبایی خود را در برابر نقض علنی احکام از دست می‌دهند. تردیدی نیست که تغییر در وضع موجود به سود سکولارها، جامعه مذهبی ارتدکس را به شورش وامی‌دارد و تغییر آن به نفع مذهبی‌ها نیز جامعه اسرائیل را برای سکولارها غیرقابل تحمل می‌کند؛ افزون بر این، دموکراسی‌ای را نیز که اسرائیل مدعی آن است با خطر نابودی مواجه می‌سازد. (دهقانی: ۱۳۸۷).

۳-۳. عامل انسانی

نخست‌وزیر بر اساس قانون رژیم صهیونیستی قدرتمندترین پست سیاسی این کشور است که ریاست قوه اجرایی این رژیم را در اختیار دارد؛ و علاوه بر عزل و نصب وزراء، وظیفه عزل و نصب دادستان کل، رئیس بانک اسرائیل و رئیس موساد نیز بر عهده دارد. از سال ۱۹۴۸ تاکنون ۱۲ نفر (شامل ۱۱ مرد و یک زن) به مقام نخست‌وزیر اسرائیل رسیده‌اند که اکثر آن‌ها ریاست احزاب خود را بر عهده داشته‌اند. به علت اهمیت مسائل امنیتی در این رژیم، مهم‌ترین ویژگی برای رسیدن به پست نخست‌وزیری سابقه نظامی و امنیتی است که اکثر نخست‌وزیران این رژیم این ویژگی‌ها را داشته‌اند. برای مثال از سال ۱۹۷۴ تاکنون از ۸ نخست‌وزیر این رژیم ۶ نفر سابقه فعالیت‌های نظامی و امنیتی را داشته‌اند. علاوه بر این افرادی که این تجارب را ندارند از کسانی در کابینه خود استفاده می‌کنند که این تجارب را داشته‌اند. نمونه بارز آن مناخیم بگین است که از دایان و وایزمن استفاده کرد. ویژگی دیگری که در این اواخر مورد توجه قرار گرفته است «اعتبار خارجی» است؛ در واقع می‌توان گفت که تمام نخبگان اقتصادی، آکادمی، علمی، تجاری، رسانه‌ای، نظامی و سیاسی اسرائیل یک ویژگی دارند که آن تحصیل در آمریکا است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر وزنه سیاسی به‌تدریج از «احزاب» به سمت «ویژگی‌های شخصیتی رهبران احزاب» تغییر کرده است؛ ویژگی‌های شخصیتی همچون تجربه، مهارت، سخت‌کوشی، تصمیم‌گرفتن به جنگ یا صلح و چگونگی تعامل با متحدان اسرائیل از جمله این ویژگی‌هاست. بدین معنا که افرادی که تجربه و محبوبیت بیشتری دارند شانس بیشتری نسبت به رهبران احزاب (که در این احزاب رشد یافته و دارای تجربه هستند) برای قرار گرفتن در پست نخست‌وزیری این رژیم را دارا هستند (El-Gendy, 2010: 47-51).

۳-۴. عوامل ساختاری

با توجه به تعدد و تنوع نهادهای تأثیرگذار در این قسمت صرفاً ساختارهای سیاسی و حقوقی‌ای را که در این زمینه ایفای نقش می‌نمایند، مرور می‌نماییم.

۳-۴-۱. کنست

بر اساس قوانین بنیادین، کنست به عنوان پارلمان حکومت و تنها مرجع قانون‌گذاری است و دارای ۱۲۰ عضو می‌باشد که هر چهار سال یک‌بار انتخاب می‌شوند. کنست

می‌تواند پیش از اتمام دوره چهارساله‌اش خود را منحل کند. به‌منظور نظارت بر روند برگزاری انتخابات، کنست مبادرت به تشکیل «هیئت مرکزی انتخابات» می‌نماید و معمولاً رئیس دادگاه عالی عدلیه ریاست آن را بر عهده دارد. حدنصاب معینی جهت رسمیت یافتن جلسات کنست منظور نشده و کلیه تصمیمات بر اساس آرای اکثریت نسبی نمایندگان حاضر در جلسه و بدون احتساب آرای نمایندگان ممتنع اتخاذ می‌گردد. جلسات کنست جز در مواردی خاص علنی است. کنست هر سال در دو دوره زمستان و تابستان تشکیل جلسه می‌دهد، مشروط بر اینکه مجموع مدت‌زمان دو دوره کمتر از ۸ ماه نباشد. در هنگام تعطیلات کنست در صورت درخواست کابینه یا حداقل ۲۰ نماینده، می‌توان نمایندگان را برای تشکیل جلسه فوق‌العاده فراخواند. ساختمان و اطراف کنست مصونیت قانونی دارد و گارد کنست که تابع دستورات رئیس کنست است مأموریت حفظ نظم و تأمین آن را بر عهده دارد. کنست دستگاه قانون‌گذاری دولت به شمار رفته و دادگاه‌ها حق نقض مقررات آن را ندارند. کنست با آرای مخفی نمایندگان، رئیس دولت را انتخاب می‌کند و در شرایط معینی می‌تواند وی را برکنار نماید. دادن رأی اعتماد به کابینه و پس گرفتن آن، از حقوق منحصربه‌فرد کنست است. هر دوره جدید کنست یک هفته پس از برگزاری انتخابات و در روز دوشنبه طی مراسم خاصی با حضور رئیس دولت کار خود را آغاز می‌کند. کار اصلی کنست به‌وسیله کمیسیون‌های دائمی انجام می‌شود و موضوعات مطرح شده در دستور کار، با توجه به آئین‌نامه داخلی کنست، در جلسات عمومی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. هر کمیسیون از ۱۹ عضو تشکیل می‌شود و در حال حاضر ده کمیسیون در ساختار داخلی کنست وجود دارد (kneset: 2017).

۳-۴-۲. احزاب سیاسی

با توجه به شکاف‌های مختلف در جامعه اسرائیل، احزاب سیاسی نماینده‌ای از این شکاف‌ها شده‌اند. احزاب سیاسی ممکن است اولویت نخستشان قدرت سیاسی باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به حزب راست‌گرای لیکود (ליקוד) و حزب چپ‌گرای کار (העבודה) اشاره کرد و یا ممکن است نماینده گروهی مذهبی مثل حزب شاس (ש"ס) و یا سکولار باشند. بر اساس نظرسنجی سال ۲۰۱۵ حدود ۵۲ درصد خریدی‌ها (ارتدکس‌های یهودی) متمایل به حزب شاس هستند؛ در مقابل ۴۰ درصد محافظه‌کارها و ۲۷ درصد سکولارها به حزب لیکود تمایل دارند (مرکز بیو‌البحاث: ۲۰۱۶: ۱۵).

مهم‌ترین مسئله‌ای که احزاب اسرائیل با آن مواجه هستند، مسئله فلسطینیان است. حزب کار اعتقاد به جدایی از فلسطینیان دارد و از طریق فشارهای اقتصادی سعی در انتقال فلسطینیان به خارج از مرزهاست. در مقابل صهیونیست‌های اصلاح‌طلب که توسط حزب لیکود رهبری می‌شوند دیدگاه‌های بی‌ثباتی در مورد فلسطینیان دارد؛ آن‌ها بر اساس دیدگاه «ولادیمیر جابوتینسکی» که در مقاله‌ای در سال ۱۹۲۳ منتشر شد، معتقدند که باید اجازه دهیم که فلسطینیان در سرزمینشان بمانند (چراکه اساساً امکان ندارد افراد سرزمین مادری خود را ترک کنند) بلکه بر اساس نظریه «دیوار آهنین» باید «شرایطی را به وجود بیاورند که عرب‌ها در برابر اکثریت یهودی و استیلای یهودیان بر این سرزمین، سر تسلیم فرود بیاورند و دستیابی به قدرتی را که به آن‌ها توانایی سرکوب رژیم یهودی می‌دهد، دور از دسترس ببینند» (Katz, 1923). از سوی دیگر این حزب اعتقاد دارد که شرط تحقق امنیت، بهبود روابط با کشورهای همسایه و فلسطینیان از طریق مذاکره مستقیم است. این حزب، قدس را پایتخت ابدی یهود و غیرقابل مذاکره و تقسیم می‌داند؛ همچنین توسعه شهرک‌ها در اراضی فلسطینی و عدم بازگشت به مرزهای ۱۹۶۷ از دیگر اصول این حزب است (وازن، ۲۰۱۶). حزب کار که به برخی از اصول سوسیالیستی و برخی از اصول لیبرالیستی اعتقاد دارد، در مورد شهرک‌نشینی و پایتخت بودن قدس تفاوتی با دیگر احزاب صهیونیستی ندارد (مرکز الزیتونه، ۲۰۱۱: ۱۵).

حزب شاس که از لحاظ قدرت دینی در رتبه اول اسرائیل و از لحاظ سیاسی رتبه سوم این رژیم را دارد، برخلاف احزاب دینی دیگر، نقش فعالی در این رژیم ایفا می‌کند. از اصول این حزب، توجه و احترام به ارزش‌های سنتی یهود، تأکید بر حفظ حرمت روزهای شنبه و اعیاد، تربیت فرزندان بر اساس تورات مقدس و از طریق حفظ ارزش‌های یهودیان سفاردی و همچنین مخالفت با حضور زنان جوان در ارتش و نیروهای نظامی است. این حزب در واکنش به تبعیضی که یهودیان شرقی (سفاردی‌ها) از سوی یهودیان غربی (اشکنازی‌ها) متحمل بودند تأسیس شد. این حزب از شهرک‌نشینی دفاع می‌کند، اما مذاکره در مورد آینده قدس را قبول ندارد. (نعیم، ۲۰۱۳: ۳-۱).

این سه حزب مهم در کنار احزاب دیگر موجود در رژیم صهیونیستی همچون «میرتص»، «شینوی»، «مفدال» و «اسرائیل بیتنو» هر کدام نماینده تفکری خاص هستند و قطعاً فعالیت‌های آنان در تصمیم‌سازی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی تأثیرگذار

است. از سوی دیگر هر حزب برای ورود به کنست حداقل باید ۳,۲۵ درصد آرا کسب کند. این رقم تا سیزدهمین دوره کنست (۱۹۹۲-۱۹۹۶) یک درصد بود، در دوره شانزدهم (۲۰۰۳-۲۰۰۶) به ۱,۵ و ۲ درصد رسید و در نوزدهمین دوره (۲۰۱۳-۲۰۱۵) به ۳,۲۵ درصد رسید. آراء حزبی که کمتر از این مقدار را کسب کند طبق روشی به احزاب دیگر اضافه می‌شود. با توجه به این سیستم، هر حزبی که اکثریت کرسی‌های کنست، یعنی حداقل ۶۱ کرسی را کسب کند می‌تواند کابینه دولت را تشکیل دهد. به سبب طبیعت اسکان مهاجرین در اسرائیل و نوع منحصربه‌فرد انتخابات در این رژیم، تاکنون هیچ حزبی موفق به کسب اکثریت صندلی‌های کنست نشده و لذا همواره کابینه اسرائیل با ائتلاف دو یا چند حزب تشکیل شده است.

۳-۴-۳. نهادهای نظامی و امنیتی

با توجه به دغدغه امنیتی موجود در اسرائیل نهادهای نظامی و امنیتی از جایگاه فوق‌العاده‌ای در این رژیم برخوردار هستند و در تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی تأثیرگذاری زیادی دارند. بر اساس «قوانین پایه» اسرائیل، نیروهای مسلح این رژیم تحت نظارت دولت قرار دارند؛ بالاترین سطح فرماندهی نیروهای مسلح اسرائیل، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح است که توسط وزیر دفاع و از میان فرماندهان عالی نظامی انتخاب می‌شود و در نهایت نیز تابع وزیر دفاع است. این سلسله‌مراتب بدین منظور طراحی شده است که نیروهای نظامی، توسط مسئولان دولتی کنترل شوند. در سال‌های ابتدایی تأسیس رژیم صهیونیستی، ساختار نظامی اسرائیل دارای درجه‌ای از استقلال بود و این استقلال نیز توسط «بن‌گوریون» به آن‌ها اعطا شده بود؛ به صورتی که رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح به صورت مستقل (و نه زیرمجموعه وزارتخانه‌ای) در جلسات کابینه شرکت می‌کرد. ستاد مشترک نیروهای مسلح وظیفه طراحی، آماده‌سازی و نظارت بر ارتش، نیروهای دریایی و هوایی (که با نام نیروهای دفاع اسرائیل (IDF، צה"ל) شناخته می‌شود) را بر عهده دارد (El-Gendy, 2010: 70-71).

علاوه بر نهادهای نظامی، چند ساختار اطلاعاتی مهم نیز در اسرائیل وجود دارد که با توجه به دسترسی مطلق آن‌ها به اطلاعات، در تصمیم‌سازی سیاست خارجی این رژیم تأثیر زیادی دارند. موساد و شاباک دو نهاد اطلاعاتی برجسته در اسرائیل است؛ مأموریت اصلی موساد، مراقبت و جاسوسی در خارج از اسرائیل و جلوگیری از

عملیات خرابکارانه بر ضد منافع آن کشور است و رئیس موساد مستقیماً زیر نظر نخست‌وزیر فعالیت می‌کند. تا سال ۱۹۹۶ هویت مدیر موساد مخفی بود ولی از آن به بعد اسرائیل به تدریج آن را معرفی کرده است. مأموریت شاباک مشابه مأموریت‌های موساد است با این تفاوت که شاباک در داخل اسرائیل و اراضی اشغالی فعالیت می‌کند. شاباک سازمانی است که بیشترین فعالیت را در زمینه مبارزه با انتفاضه و متوقف ساختن عملیات مقاومت در داخل اراضی اسرائیل دارد و تاکنون عملیات ترور فعالان فلسطینی را در طول انتفاضه به صورت انفرادی و یا با همکاری اطلاعات نظامی به انجام رسانده است (جتی، ۱۳۸۴: ۱۷۴-۱۷۵).

۳-۴-۴. وزارت خارجه

این وزارت خانه شامل بخش‌هایی مختلفی از جمله رسانه و اطلاعات، دیپلماسی عمومی (۶۶۶۵۶)، اینتلینس، همکاری‌های بین‌المللی، بخش جوامع یهودی و بخش اقتصادی می‌باشد. با وجودی که این وزارت خانه با داشتن سفارت‌خانه در ۱۶۲ کشور جهان در تصمیم سازی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی و علمی نقش مهمی را ایفا می‌کند، اما با افزایش قدرت کابینه، نخست‌وزیر و ارتش در اسرائیل نقش این وزارت خانه در سال‌های اخیر تضعیف شده است.

۳-۴-۵. رسانه‌ها

کانالیزه کردن ترجیحات عمومی و عوام‌فریبی از تاکتیک‌های اساسی در سیاست امروزی به شما می‌رود و نمی‌توان موضع مردم نسبت به یک مورد خاص را برخاسته از بستر اجتماعی دانست، بلکه ممکن است تحت تأثیر شرایط گذرا و ناپایدار جامعه به سمت این تصمیم سوق پیدا کرده باشد. در اسرائیل مردم به احزاب رأی می‌دهند نه به افراد؛ بهترین ویتترین اعلام مواضع احزاب نیز رسانه‌ها هستند. رسانه‌هایی که روزانه میلیون‌ها بار خوانده می‌شوند و علاوه بر خط دهی به مواضع مردم، برخاسته از خواست مردم هم هستند یعنی رابطه‌ای دوسویه میان مطبوعات و جامعه برقرار است. در این بررسی ۴ رسانه اصلی اسرائیل یعنی روزنامه اسرائیل امروز، روزنامه هآرتص، روزنامه یدیعوت آحارونوت و روزنامه جروزالم پست را بررسی می‌کنیم. روزنامه اسرائیل هیوم یا اسرائیل امروز از جمله روزنامه‌های رایگان در اسرائیل است که در حال حاضر در انتشار روزنامه رایگان تنها اسرائیل پست را در کنار خود می‌بیند و

پس از کش و قوس‌های فراوان توانست فروش رایگان خود را ادامه دهد. این روزنامه برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و به سرعت توانست در میان جامعه اسرائیل جای خودش را به عنوان یک رسانه افراطی راست‌گرا باز کند مدیرمسئول این روزنامه «اموس ریجف» (Amos Regev) از مشاوران نزدیک نتانیاهاو محسوب می‌شود و در بسیاری از مهمانی‌ها وی را همراهی می‌کند. در سال ۲۰۱۴ جمعی از مخالفین حزب راست تلاش کردند تا با لایحه منع انتشار روزنامه رایگان، به قول خودشان جلوی نابود شدن صنعت روزنامه‌نگاری در اسرائیل را بگیرند ولی لایحه به تصویب نرسید. حامی مالی اصلی اسرائیل امروز یا همان «اسرائیل هیوم»، شلدون ادلسون ثروتمند است. وی از بزرگ‌ترین تجار یهودی آمریکا است که در اسرائیل از حزب لیکود و در آمریکا از جمهوری خواهان حمایت می‌کند و از دوستان صمیمی نتانیاهاو محسوب می‌شود. وی همان کسی است که پس از آغاز مذاکرات هسته‌ای در دولت حسن روحانی در سال ۲۰۱۳، گفت: «رئیس‌جمهور آمریکا باید به ارتش دستور بدهد یک بمب اتمی بر روی کویر ایران بیندازند، سپس به رئیس‌جمهور ایران تلفن بزند و بگوید: آن بمب را دیدی؟ بمب اتمی بعدی در تهران فرود خواهد آمد. اگر بر موضع سرسختانه خود پافشاری کنید به کلی محو خواهید شد.» (Blumenthal, 2013). اسرائیل امروز به سرعت به پرطرفدارترین روزنامه اسرائیل تبدیل شد و نقش پررنگی در پیروزی‌های انتخاباتی حزب لیکود داشته است. طبق آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۴ اسرائیل امروز با جذب ۳۹,۳٪ از خوانندگان روزنامه در صدر پر خواننده‌ترین روزنامه‌های اسرائیل قرار گرفته است.

روزنامه‌ها آرتص روزنامه‌ای لیبرال محسوب می‌شود که به مسائل حقوق شهروندی اهمیت زیادی می‌دهد. وی در صف‌بندی مخالفان و موافقان نتانیاهاو در سمت شدیدترین مخالفین وی دسته‌بندی می‌شود. این روزنامه تنها ۵,۸ درصد از بازار مطبوعات را در اختیار دارد ولی به دلیل نوع مواضع بسیار مورد توجه سیاستمداران و مردم است (Sheizaf: 2010).

روزنامه جروزالم پست پس از هاآرتص قدیمی‌ترین روزنامه اسرائیل است که در سال ۱۹۳۲ با نام فلسطین پست پایه‌گذاری شد و ۱۸ سال بعد و کمی پس تشکیل دولت اسرائیل نام خود را به جروزالم پست تغییر داد. این روزنامه از سال ۱۹۳۲ تاکنون بارها در دست‌گرایش‌های متفاوت چرخیده است. از سال ۲۰۰۴ تاکنون تحت مدیریت شرکت «مرخای تیکشورت» (Mirkaei Tikshoret) بوده است. نکته قابل توجه این است که مدیریت شرکت مرخای تیکشورت در دست «الی آزور» (Eli Azur) است.

وی علاوه بر مدیریت غیرمستقیم جروزالم پست، مدیریت روزنامه محافظه‌کار و راست‌گرای «معاریو» و همچنین روزنامه رایگان «اسرائیل پست» را هم بر عهده دارد. معاریو در سال‌های گذشته به سمت احزاب راست‌گرا چرخش داشته است و انتقادهای این روزنامه از نتانیاهو و ایهود باراک را می‌توان بازی سیاسی دانست. روزنامه یدیعوت آخرونوت که در سال ۱۹۳۹ تأسیس شد برای سال‌ها پرتیراژترین و پر خواننده‌ترین روزنامه اسرائیل بود تا اینکه در سال ۲۰۰۷ با یک رقیب جدی مواجه شد که به صورت رایگان منتشر می‌شد؛ یعنی روزنامه اسرائیل امروز (اسرائیل هیوم) که با حمایت شلدون ادلسون ثروتمند منتشر می‌شد. این یهودی آمریکایی مشخصاً حامی نتانیاهو محسوب می‌شود. یدیعوت آخرونوت از ابتدا با روند چاپ روزنامه‌های رایگان مخالفت داشت و آن را موجب سلطه ثروتمندان و نابودی صنعت روزنامه‌نگاری می‌دانست. خیلی از تحلیلگران دلیل اصلی مخالفت شدید یدیعوت آخرونوت با دولت نتانیاهو و شخص نتانیاهو را همین مسئله روزنامه اسرائیل هیوم می‌دانند (Sheizaf: 2010). این مخالفت‌ها با نتانیاهو راست‌گرا و حتی حمایت از تسیپی لیونی (Tzipi Livni) و حزب کادیم در انتخابات سراسری اسرائیل (۲۰۰۹) به معنای چپ‌گرا بودن این روزنامه نیست، بلکه هیئت تحریریه آن غالباً میانه‌رو هستند. یدیعوت آخرونوت در مسائل امنیتی و نظامی محافظه‌کار و در مسائل اجتماعی لیبرال است. به همین دلیل است که مخاطبان اصلی این روزنامه طبقه وسط محسوب می‌شوند. تیراژ این روزنامه در طول هفته ۳۵۰ هزار نسخه و در جمعه‌ها ۶۰۰ هزار نسخه است و هنوز هم یدیعوت آخرونوت سازمان‌دهی شده‌ترین روزنامه اسرائیل است (Jewish virtual library: 2016). نسخه اینترنتی روزنامه یدیعوت آخرونوت وب‌سایت «وای نت» است که طبق آمار «الکسا» در زمان نگارش این گزارش در رتبه ۶ پربازدیدترین سایت‌های اسرائیل قرار دارد. گرچه هیئت تحریریه این سایت خبری با یدیعوت آخرونوت متفاوت است ولی در کنار انتشار مطالب دسته اول مطالب یکدیگر را نیز بازنشر می‌کنند. به‌طورکلی مواضع دو منبع خبری شباهت بسیاری به یکدیگر دارند.

۳-۴-۶. نظام بین‌الملل

در ساختار نظام بین‌الملل بازیگران متعددی وجود دارند که در ارتباط مستقیم با سیاست خارجی رژیم صهیونیستی - به صورت مثبت و یا منفی - فعالیت می‌نمایند؛ مهم‌ترین این بازیگران عبارت‌اند از:

۳-۴-۱. آمریکا

یهودیان آمریکا همواره به سمت دموکرات‌ها بیشتر متمایل بوده‌اند تا جمهوری خواهان. حمایت گسترده دموکرات‌ها از دولت اسرائیل در طول تاریخ نه چندان طولانی این حکومت همواره برقرار بوده است. اولین بار هری ترومن یک رئیس جمهور دموکرات بود که اسرائیل را از جانب آمریکا به رسمیت شناخت. در دوران جان اف کندی رئیس جمهور صلح طلب آمریکا، این روابط کمی به سمت سردی گرایید. علی‌رغم دفاع گسترده کندی از دولت اسرائیل و کمک‌های نظامی گسترده وی به آن‌ها، اختلافات از روزی آغاز شد که فرآیند ساخت سایت هسته ای دیمونا علنی شد. جان اف. کندی طی نامه‌ای به دیوید بن گوریون نخست‌وزیر وقت اسرائیل خواستار توقف فرآیند غنی‌سازی اورانیوم شد و کمک‌های نظامی آمریکا را مشروط به عدم حرکت اسرائیل به سمت ساخت سلاح هسته‌ای دانست (Rosenberg: 2013). بن‌گوریون در جواب وی نوشت که دیمونا در پی اهداف صلح جویانه ساخته شده است. پس از اعلام بدبینی کندی دو کشور توافق کردند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سالی یک‌بار از دیمونا بازرسی داشته باشد (Jeremy, 2008: 201-202). کمتر از یک سال بعد و در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ کندی ترور شد. برخی این ترور را به موساد نسبت داده‌اند (Collins Piper: 1995). جانشین کندی، جانسون نیز در حمایت احتمالی از اسرائیل در جنگ شش‌روزه ناوگان دریایی به مدیترانه فرستاد. وی در جریان تجاوز اسرائیل به صحرای سینا نیز آن را نه تنها محکوم نکرد بلکه جلوی انتقاد از این تجاوز را نیز گرفت. رئیس جمهور بعدی جیمی کارتر بود که با شعارهای توسعه سیاسی و گسترش حقوق بشر روی کار آمده بود. وی علی‌رغم حمایت از رژیم صهیونیستی، برخی انتقادات حقوق بشری را روانه دولت مردان این کشور کرد. بیل کلینتون چهل و دومین رئیس جمهور آمریکا پایه‌گذار جدی‌ترین فرآیند صلح فلسطینی-اسرائیلی بود. وی در سال ۲۰۰۰ طی جلساتی دوهفته‌ای با ایهود باراک و یاسر عرفات تلاش بسیاری برای رسیدن به توافق انجام داد. نهایتاً این دیدارها بدون قراردادی رسمی و تنها با یک بیانیه در کمپ دیوید آمریکا به پایان رسید.

۳-۴-۲. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا همواره موضعی متفاوت با آمریکا در مسئله اسرائیل و فلسطین داشته است. در صفحه ۶ دستور عمل‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا آمده است: «اتحادیه

اروپا علی‌رغم احترام به حق زیستن مردم اسرائیل بر لزوم پایبندی به قوانین بین‌الملل تأکید می‌کند» (6: EU/Israel action plan, 2004). قوانینی که آمریکایی‌ها بعضاً با استناد به نظریات «استثنا گرایی» الکسی دوتوکویل در قبال خود و متحدانشان نادیده می‌گیرند. مواضع بعضاً مخالف با اسرائیل در سیاست خارجی اتحادیه اروپا هم به دلیل رویکرد حقوق بشر محور این اتحادیه و هم به دلیل احساس کردن جنگ در نزدیکی مرزهایشان است. عمده مشکلات اتحادیه اروپا و اسرائیل بر سر مسئله فلسطین، شهرک‌سازی، مسائل حقوق بشری و کمک مالی اتحادیه به احزاب چپ‌گرای اسرائیل است (Ben-Hur Levy: 2014). اسرائیل معمولاً رفتارهای اتحادیه اروپا را یک‌طرفه و به نفع فلسطین می‌داند (Anders, 2015: 89). برجسته‌ترین اختلاف سال‌های اخیر اتحادیه اروپا با اسرائیل، شهرک‌سازی این رژیم فراتر از مرزهای ۱۹۶۷ است. این اتحادیه در پایان سال ۲۰۱۵ طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که شهرک‌های خارج از مرزهای توافق شده در سال ۱۹۶۷ را جزئی از خاک اسرائیل به حساب نمی‌آورد و اجازه درج عنوان «ساخت اسرائیل» را به کالاهای ساخته شده در آن‌ها نمی‌دهد (European Commission, 2015: 2). این سرزمین‌ها عبارت‌اند از ارتفاعات گولان، نوار غزه و کرانه باختری (شامل قدس شرقی).

۳-۶-۴. جهان اسلام

به علت موقعیت اسرائیل و قرار گرفتن در قلب جهان اسلام، این کشور همواره مورد تهدید امنیتی بوده است. با توجه به اینکه اسرائیل با اشغال نظامی تأسیس شده است، کشورهای عربی همسایه نه تنها آن را به رسمیت نشناختند، بلکه درصدد نابودی و محو آن برآمدند. این مسئله نقش مهمی را در تصمیم‌سازی‌های اسرائیل ایفا می‌کند. برتری نظامی و تلاش برای امضای پیمان‌های صلح، از مهم‌ترین تأثیرات محیط پیرامونی اسرائیل بر تصمیم‌سازی‌های این رژیم است. این موضوع بحث مستقلى را مى‌طلبد و در قالب شناسایی تأثیرات دو جریان کلی مقاومت و سازش‌طلبانه قابل‌شناسایی و تحلیل است.

۴. نتیجه‌گیری

سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به دلیل مجموعه بحران‌هایی که این رژیم در حوزه‌هایی مانند امنیت و هویت دارد، از پیچیدگی بالایی برخوردار است. به همین

خاطر می‌باشد که این رژیم از راهبرد فرافکنی معضلات داخلی به عرصه منطقه‌ای و خارجی پیروی می‌نماید. بر این اساس لازم است تا سیاست خارجی این رژیم در سطوح و ابعاد مختلف تحلیل گردد تا بتوان به تصویری جامع‌تر و واقعی‌تر از آن دست یافت. در این مقاله محققان با استفاده از نظریه تحلیل چهار سطحی جیمز روزنا به بررسی تحلیلی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. مطابق این الگو چهار دسته از عوامل در شکل‌گیری سیاست خارجی یک بازیگر نقش دارند: عوامل «ارضی»، «منزلی»، «انسانی» و «ساختاری» (غیرانسانی).

از لحاظ ارضی، مهم‌ترین عامل در تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، موضوع تهدید از جانب گروه‌ها و کشورهای است که هیچ‌گاه این رژیم را به رسمیت نشناخته‌اند؛ لذا رابطه با محیط پیرامونی، صلح و برتری نظامی از جمله تصمیمات این رژیم، تحت تأثیر این عامل بوده است. دسته دوم عوامل تأثیرگذار، عوامل منزلی است. در حوزه اقتصاد، رژیم صهیونیستی فرازوفرودهای زیادی را تجربه کرده است؛ با وجودی که در حال حاضر اقتصاد این رژیم شاخص‌های مثبتی را تجربه می‌کند، اما بیکاری و فقر همواره یکی از مشکلات مهم به حساب آمده است؛ آمار رسمی نشان‌دهنده آن است که وضع بیکاری و فقر علاوه بر یهودیان درجه دوم، در میان اعراب حاضر در سرزمین‌های اشغالی نیز وضع بدتری دارد. از لحاظ سیاسی نیز این رژیم با توجه به دغدغه‌های هویتی و امنیتی به دنبال ایجاد رابطه با کشورهای دیگر و کسب مشروعیت است. عوامل ایدئولوژیک و مذهبی و شکاف‌های ناشی از این عوامل نیز در تصمیم‌سازی‌های این رژیم تأثیرگذار است. اصولی همچون «قوم برگزیده» و «سرزمین مقدس» و «کتاب مقدس» تأثیرات زیادی را بر سیاست خارجی این رژیم تاکنون گذاشته است.

از لحاظ عوامل انسانی نیز می‌توان نظامی یا امنیتی بودن افراد و داشتن نوعی از اعتبار خارجی را از مؤلفه‌های مهم در تعیین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دانست. از نظر عوامل ساختاری نیز ساختارهای قانون‌گذاری، نظامی و امنیتی، احزاب و رسانه‌های این رژیم هر کدام نقش مهمی را در ایجاد تصمیم‌های سیاست خارجی دارند. در مجموع بایستی برای تحلیل سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به همه این عوامل و درجه تأثیرگذاری هر عامل توجه داشت. غفلت از این عوامل و یا نادیده گرفتن بخشی از آن‌ها می‌تواند منجر به کج‌فهمی و یا خطای تحلیل شود.

کتابنامه

- أبوسیف، عاطف (۲۰۱۴). *علاقات إسرائيل الدولية: السياقات والأدوات، الاختراقات والإخفاقات*، فلسطين: مركز مطالعات اسرائیل مدار.
- ابوشرح، خالد (۲۰۱۱). *نظریه الامن الاسرائیلی، الحوار المتمدان*، شماره ۳۴۹۹، <http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=277247>
- ابونمل، حسین (۲۰۱۷). *اتجاهات الاقتصاد الإسرائيلي ۲۰۱۰-۲۰۱۷*، <http://studies.aljazeera.net/ar/reports/2017/08/israel-economy-170829100146200.html>
- اخوان کاظمی، مسعود. عزیزی، پروانه (۱۳۹۰). «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰.
- اشتیوی، بشینة (۲۰۱۴). <http://www.sasapost.com/israeli-economy>
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴) «استراتژی و ضد استراتژی»، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۲۱.
- آهویی، مهدی (۱۳۹۳). «صهیونیسم مذهبی و نقش راهبردی آن در سیاست خارجی اسرائیل»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال هفدهم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۴.
- بدوان، علی (۲۰۱۴). *إسرائيل وأزمة الهوية، الجزيرة*، <http://goo.gl/ECzV2e>
- پورحسن، ناصر (۱۳۸۷). «جایگاه جنوب آسیا در سیاست خارجی اسرائیل»، فصلنامه *مطالعات فلسطین*، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۰.
- الجزیره (۲۰۱۱)، *سیاسة إسرائيل الخارجية*، <http://goo.gl/JYunTn>
- جلال پور، شیوا. لطیفی نیا، علی (۱۳۹۵). «کالبدشکافی سیاست خارجی اسرائیل در قبال کردستان عراق»، فصلنامه *تحقیقات جدید در علوم سیاسی*، شماره یازدهم.
- جتی، علی (۱۳۸۴). *ساختار دولت صهیونیستی*، جلد دوم، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حاجی یوسفی، امیر. اسلامی، محسن (۱۳۸۶). «عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجه اسرائیل: ارائه مدلی تحلیلی». فصلنامه *سیاست*، دوره ۳۹، شماره ۳.
- دهشیری، محمدرضا. الله کرم مشتاقی (۱۳۹۴). «بررسی منابع تأثیرگذار بر سیاست خارجی و استراتژی امنیتی رژیم صهیونیستی پس از تحولات بیداری اسلامی»، فصلنامه *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۴۱.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات سمت.
- دهقانی، محمود (۱۳۸۷). «چالش‌ها و بحران‌های درونی اسرائیل»، *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*، شماره ۱۰.
- رادگودرزی، معصومه (۱۳۹۵). «روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان: بنیادها و الزامات»، فصلنامه *سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵.

تحلیل عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی ... ۷۵

ژنشن، شتفان (۱۳۸۱). «مؤسسه‌های رایزنی سیاسی در اسرائیل و نفوذ آن‌ها در سیاست خاور نزدیک»، ترجمه لادن مختاری، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۱۳.

سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۴)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

صبری، انوشه (۱۳۸۶). «مناسبات مصر و اسرائیل در سه دهه اخیر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

گیلبوا، ایتان (۱۳۸۷). «دیپلماسی عمومی نوین و سیاست خارجی اسرائیل»، ترجمه رضا محمودی فقیهی، مطالعات فلسطین، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۰.

لطفیان، سعیده (۱۳۸۷). «مداخله سیاسی ارتش در چارچوب استراتژی امنیت ملی اسرائیل»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۱۰.

مرکز الزيتونة للدراسات والاستشارات (۲۰۱۱). حزب العمل الاسرائیلی، بیروت.

مرکز بیو-لأبحاث (۲۰۱۶). المجتمع الإسرائيلي المنقسم دينياً، واشنطن، http://www.pewforum.org/files/2016/03/israel_survey_overview.arabic_final.pdf

المسیری، عبدالوهاب (۱۹۷۸). الأيديولوجية الصهيونية، المجلس الوطني للثقافة والفنون والآداب: كويت. المسیری، عبدالوهاب (۲۰۱۱). تطور مفهوم الامن القومي الاسرائيلي.

نعیم، عدنان (۲۰۱۳). حركة «شاس» من زاوية أخرى، مركز المعلومات الوطني الفلسطيني: رام الله.

وازن، محمد (۲۰۱۶). تعرفوا على مواقف أبرز الأحزاب الإسرائيلية من القضية الفلسطينية: رصيف ۲۲: بيروت.

یحیی، هارون (۱۳۹۵). استراتژی اسرائیل در خاورمیانه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.

Bar, Shmuel (2003). Israel's Strategic Relations – Is there Room for New Partnerships?

http://www.herzliyaconference.org/_Uploads/1176israelsstrategicrelations.pdf

Ben-Hur Levy, Yehuda (2014). EU-ISRAEL RELATIONS: CONFRONTATION OR CO-OPERATION, <http://www.cer.eu/insights/eu-israel-relations-confrontation-or-co-operation>.

Blumenthal, Paul (2013). Sheldon Adelson Says Obama Should Nuke Iran, http://www.huffingtonpost.com/2013/10/23/sheldon-adelson-nuke-iran_n_4150237.html

Collins Piper, Michael (1995). Final Judgment: The Missing Link in the JFK Assassination Conspiracy: Wolfe Press.

- El-Gendy, Karim (2010). *The Process of Israeli Decision Making: Mechanisms, Forces and*
- EU/Israel action plan (2004).
http://eeas.europa.eu/archives/docs/enp/pdf/pdf/action_plans/israel_enp_ap_final_en.pdf
- European Commission (2015). Interpretative Notice on indication of origin of goods from the territories occupied by Israel since June 1967,
http://eeas.europa.eu/archives/delegations/israel/documents/news/20151111_interpretative_notice_indication_of_origin_of_goods_en.pdf
- Influences. Al-Zaytouna Centre for Studies and Consultations: Beirut.
- Jewish virtual library (2016). Israeli National Newspaper Exposure Rates,
<http://www.jewishvirtuallibrary.org/the-israeli-press>.
- Kegley Charles and Wittkopf Eugene, *American foreign policy-pattern and process*, second edition, 1982, St. Martin's Press: New York.
- Kneset (2017). The Electoral System in Israel,
http://kneset.gov.il/description/eng/eng_mimshal_beh.htm
- Persson, Anders (2015). *The EU and the Israeli-Palestinian Conflict 1971-2013: In Pursuit of a Just Peace*. Lanham: Lexington Books.
- Pileggi, tamar (2016). Knesset suspends Arab MKs for meeting Palestinian terrorists' families, <http://www.timesofisrael.com/knesset-bans-arab-mks-for-meeting-palestinian-attackers-families/>.
- Rosenau, James; *The Scientific Study of Foreign Policy*; New York: Free Press, 1971, PP. 95-150.
- Rosenberg, MJ (2013). JFK told Israel: 'If you want U.S. aid, shut down your nuclear bomb factory', <https://www.sott.net/article/269311-JFK-told-Israel-If-you-want-US-aid-shut-down-your-nuclear-bomb-factory>
- Salt, Jeremy (2008). *The Unmaking of the Middle East: A History of Western Disorder in Arab lands*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Sheizaf, Noam (2010). The political line of Israeli papers (a reader's guide), <https://972mag.com/the-political-line-of-israeli-papers-a-readers-guide/4072/>.

המוסד לביטוח לאומי (2015).

https://www.btl.gov.il/Publications/oni_report/Documents/oni2015.pdf

ז'בוטינסקי, זאב (1923). על קיר הברזל, ראסווייט.

تحليل عوامل تأثير گذار بر سياست خارجي رژيم صهيونيستي ... ۷۷

חוק השבות (1950). הכנסת,

https://www.knesset.gov.il/laws/special/heb/chok_hashvut.htm

מינץ, אלכס. שי שאול (2014)؛ תפיסת הביטחון של ישראל: גיבוש מחדש:

[http://www.herzliyaconference.org/_Uploads/dbsAttachedFiles/SecurityDoctrine10.](http://www.herzliyaconference.org/_Uploads/dbsAttachedFiles/SecurityDoctrine10.pdf)

pdf